

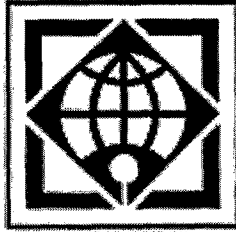


11.75

۱۷۱/۱۰۸۰۶۴  
۸۸-۱۵۲

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMENI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم اجتماعی

گروه حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

عنوان:

« اداره و ارزیابی دلیل در دعاوی حقوقی »

استاد راهنما:

دکتر مهرزاد ابدالی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی سروی مقدم

تهیه و نگارش:

رضا دلیر

پاییز ۱۳۸۷

۱۱۰۰۶۴

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۶  
انجمن اطلاعات و آرکایو ملی بزرگ  
تهیه و آرکایو  
۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۶

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

دانشکده علوم اجتماعی

گروه حقوق

بدین وسیله گواهی می شود جلسه دفاع از پایان نامه آقای رضا دلیر دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی تحت عنوان « اداره و ارزیابی دلیل در دعاوی حقوقی » در تاریخ ۸۷/۷/۱۴ با موفقیت برگزار شد و با نمره ۱۹ و رتبه عالی مورد تأیید داوران محترم بشرح ذیل قرار گرفت.

۱- استاد راهنما: دکتر مهرزاد ابدالی

۲- استاد مشاور: دکتر مصطفی سروی مقدم

۳- داور خارجی: دکتر عبدالله کیائی

۴- داور داخلی: دکتر مسعود البرزی و رکیعی

۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر سید محمد هادی ساعی



## **تقدیم به :**

پدر بزرگوارم که خورشید وجودش فروغ زندگی ام شد  
مادر مهربانم که بهار زندگیش مرا به شکوفه نشاند

## **تقدیر و تشکر**

بر خود واجب دانستم که به تاسی از آیه شریفه ( من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق ) از راهنمایی های صادقانه و مشتاقانه اساتید محترم راهنما و مشاورم، دکتر مهرزاد ابدالی و دکتر مصطفی سروی مقدم مراتب قدردانی خود را تقدیم و از خداوند متعال سلامتی و سعادت در کلیه امور را برای ایشان مسئلت نمایم.

## فهرست اختصاری مطالب

صفحه	عنوان
۳	فصل اول: کلیات و قواعد عمومی اداره و ارزیابی دلیل.....
۳	بخش اول - حدود دلیل.....
۳	مبحث اول - مفهوم دلیل.....
۳۵	مبحث دوم- ارائه دلیل و استناد به آن.....
۴۶	بخش دوم - اداره و ارزیابی دلیل.....
۴۶	مبحث اول - اداره دلیل.....
۵۸	مبحث دوم - ارزیابی دلیل.....
۶۶	مبحث سوم - اداره و ارزیابی دلیل در مراحل شکایت از آراء.....
۶۸	فصل دوم - بررسی تفصیلی اداره و ارزیابی ادله قانونی.....
۶۸	بخش اول - اقرار.....
۶۸	مبحث اول - کلیات.....
۷۱	مبحث دوم- اداره و ارزیابی اقرار.....
۷۶	بخش دوم - اسناد.....
۷۶	مبحث اول - مقدمه.....
۷۹	مبحث دوم- اداره سند.....
۸۵	مبحث سوم- ارزیابی سند.....
۹۸	بخش سوم- شهادت.....
۹۸	مبحث اول- اداره شهادت.....
۱۱۸	مبحث دوم - ارزیابی شهادت.....
۱۲۳	بخش چهارم - امارات.....
۱۲۳	مبحث اول - کلیات.....
۱۲۵	مبحث دوم - تحقیق و معاینه محل.....
۱۲۹	مبحث سوم - کارشناسی.....
۱۳۸	بخش پنجم - سوگند.....
۱۳۸	مبحث اول - اداره سوگند.....
۱۴۶	مبحث دوم - ارزیابی سوگند.....
۱۴۷	فصل سوم - تعارض ادله.....
۱۴۷	بخش اول - ماهیت تعارض.....

۱۵۴	.....	بخش دوم - انواع تعارض
۱۷۰	.....	نتیجه گیری
۱۷۱	.....	فهرست منابع

## فهرست تفصیلی مطالب

صفحه	عنوان
۳	<b>فصل اول: کلیات و قواعد عمومی اداره و ارزیابی دلیل</b>
۳	بخش اول - حدود دلیل
۳	مبحث اول - مفهوم دلیل
۳	بند اول : واژه شناسی دلیل
۳	الف) تعریف لغوی
۳	ب) معنی عرفی
۴	ج) تعریف از لحاظ فقهی
۵	د) دلیل در اصطلاح حقوقی
۱۰	بند دوم: ماهیت دلیل
۱۰	الف- طریقت یا موضوعیت داشتن دلیل
۱۲	۱- اصل عدم اعتبار ظنون
۱۴	۲- امارات قضایی
۱۵	۳- علم دادرس
۱۸	۴- تقدم علم قاضی بر ادله
۱۹	ب) نسبت و مطلق بودن ادله
۲۰	اول : اقرار
۲۱	دوم : سند
۲۲	سوم : شهادت
۲۲	چهارم : امارات
۲۲	پنجم: قسم
۲۳	نتیجه گیری
۲۴	بند سوم : قلمرو دلیل
۲۴	الف) دعوا
۲۸	۱- اعتراف
۲۸	۲- اقرار
۲۹	۳- شهادت
۲۹	ب) اثبات
۲۹	بند ۱: اثبات موضوع دعوا



۳۰	بند ۲) بار اثبات دلیل و امکان جابجایی آن
۳۰	۱- دیدگاه فقهای اهل سنت
۳۱	۲- دیدگاه فقهای امامیه
۳۱	۳- امکان جابجایی مسئولیت اثبات در آئین دادرسی مدنی
۳۲	بند ۳) - اثبات امور عدمی و امکان جابجایی مقام مدعی و منکر
۳۵	<b>مبحث دوم - ارائه دلیل و استناد به آن</b>
۳۵	بند اول : مدعی و ضابطه تشخیص آن
۳۸	بند دوم : منکر
۳۹	بند سوم - تداعی
۴۰	الف: ضابطه تداعی
۴۱	ب: ضابطه ای دیگر
۴۲	بند چهارم: انقلاب دعوا
۴۳	الف: تحدید بحث
۴۴	ب- انقلاب دعوا و اقرار مرکب
۴۴	تبصره- ادعای فساد اقرار
۴۶	<b>بخش دوم - اداره و ارزیابی دلیل</b>
۴۶	<b>مبحث اول - اداره دلیل</b>
۴۶	بند اول: مفهوم اداره
۴۸	بند دوم: تفاوت بین قاعده منع تحصیل دلیل و اصل بی طرفی دادگاه
۴۸	قاعده منع تحصیل دلیل
۵۱	بند سوم: محدوده اداره دلیل
۵۲	الف) محدوده ضمانت اجرای قانونی دلیل
۵۲	ب) محدوده زمانی ارائه دلیل
۵۳	ج) اصل تناظر
۵۳	بند چهارم: اختیار دادگاه و مدعی
۵۳	الف) رعایت موضوع اختیار دادگاه
۵۳	ب) اختیار دادگاه و تکلیف مدعی
۵۳	بند پنجم: تبرع در قضا و اداره دلیل
۵۵	مقایسه حسبه و تبرع:
۵۵	بند ششم- قواعد مشخص حدود و ثغور ادله:
۵۵	الف) قاعده احتیاط در دماء و فروج
۵۶	ب) قاعده اعتبار امر مختومه

۵۷	..... (ج) اتقوا من مواضع التهم
۵۷	..... (د) عداوت دنیوی
۵۹	..... <b>مبحث دوم - ارزیابی دلیل</b>
۵۹	..... بند اول: مفهوم ارزیابی دلیل
۶۱	..... بند دوم: مقایسه ارزیابی دلیل با اصطلاحات مشابه
۶۱	..... الف : مقایسه ارزیابی دلیل و پذیرش دلیل
۶۲	..... ب: مقایسه توصیف رویداد و ارزیابی دلیل
۶۳	..... ج: مقایسه تفسیر دلیل و ارزیابی دلیل
۶۴	..... بند سوم: ضرورت ارزیابی
۶۵	..... بند چهارم: نقش اصحاب دعوا در ارزیابی دلیل
۶۵	..... بند پنجم: نقش امارات در ارزیابی دلیل
۶۷	..... <b>مبحث سوم - اداره و ارزیابی دلیل در مراحل شکایت از آراء</b>
۶۷	..... بند اول: اداره و ارزیابی دلیل در مرحله تجدید نظر خواهی
۶۸	..... بند دوم: اداره و ارزیابی دلیل در مرحله واخواهی ، اعتراض ثالث و اعاده دادرسی
۶۸	..... بند سوم: اداره و ارزیابی دلیل در مرحله فرجام خواهی
۶۹	..... <b>فصل دوم: بررسی تفصیلی اداره و ارزیابی ادله قانونی</b>
۶۹	..... <b>بخش اول: اقرار</b>
۷۰	..... <b>مبحث اول - مسائل مقدماتی</b>
۷۰	..... بحث فقهی
۷۲	..... <b>مبحث دوم: اداره و ارزیابی اقرار</b>
۷۲	..... بند اول: اداره اقرار
۷۳	..... بند دوم: ارزیابی اقرار
۷۵	..... ادعای اشتباه و فساد اقرار
۷۷	..... <b>بخش دوم: اسناد</b>
۷۷	..... <b>مبحث اول: مسائل مقدماتی</b>
۷۸	..... اعتبار محتویات و مندرجات سند رسمی
۸۰	..... <b>مبحث دوم - اداره سند</b>
۸۰	..... بند اول: زمان استناد و ابراز سند
۸۳	..... بند دوم : مکان ابراز سند
۸۴	..... بند سوم: نحوه ابراز سند
۸۶	..... <b>مبحث سوم: ارزیابی سند</b>

۸۷	بند اول: تشخیص رسمی یا عادی بودن سند
۸۸	بند دوم- تعرض نسبت به سند
۸۹	الف: انکار و تردید
۹۰	ب: ادعای جعل
۹۲	بند سوم: آئین رسیدگی به اصالت سند
۹۲	الف) ابراز اسناد مورد تعرض
۹۳	ب) شیوه های ارزیابی صحت سند
۹۴	۱- تحقیق از گواهان و مطلعین
۹۴	۲- تطبیق سند با اسناد دیگر
۹۴	۳- کارشناسی
۹۶	بند چهارم: آثار تعرض نسبت به سند
۹۷	بند پنجم: وضعیت اسناد خارجی
۹۹	<b>بخش سوم - شهادت</b>
۹۹	<b>مبحث اول - اداره شهادت</b>
۹۹	بند اول: آئین استناد به شهادت شهود
۱۰۰	بند دوم: شرایط شاهد
۱۰۱	الف) ایمان
۱۰۳	ب) طهارت مولد
۱۰۴	ج) عدالت
۱۰۵	بند سوم: مجری شهادت و نصاب شاهد
۱۰۶	۱- توضیحی مختصر در خصوص امور یاد شده
۱۰۷	۲- قاعده لایعلم الا من قبله
۱۰۹	بند چهارم: قرار استماع شهادت
۱۰۹	بند پنجم: مکان ادای شهادت
۱۱۰	بند ششم: احضار شهود
۱۱۱	بند هفتم: آئین جرح و تعدیل شهود
۱۱۳	بند هشتم: آئین استماع شهادت
۱۱۴	بند نهم: شهادت بر شهادت
۱۱۶	بند دهم: اداره دلیل شهادت در فقه
۱۱۹	<b>مبحث دوم: ارزیابی شهادت</b>
۱۱۹	بند اول: رجوع از شهادت
۱۱۹	بند دوم: شرایط شهادت
۱۱۹	الف: شهادت باید از روی قطع و یقین

- ب: شهادت باید با دعوا مطابقت..... ۱۲۰
- ج) گواهی گواهان باید مفاداً با هم متحد..... ۱۲۰
- بند سوم: اختیار دادرس در ارزیابی شهادت..... ۱۲۱
- بخش چهارم - امارات**..... ۱۲۳
- مبحث اول - کلیات**..... ۱۲۳
- بند اول: فایده تقسیم بندی..... ۱۲۳
- بند دوم: وجه حجیت امارات..... ۱۲۳
- بند سوم: امارات و امکان اثبات خلاف آن..... ۱۲۴
- بررسی نمونه هایی از امارات قضایی..... ۱۲۵
- مبحث دوم - تحقیق و معاینه محل**..... ۱۲۶
- بند اول: اداره تحقیق و معاینه محل..... ۱۲۶
- الف) صدور قرار تحقیق و معاینه محل..... ۱۲۶
- ب) اجرای قرار تحقیق و معاینه محل..... ۱۲۶
- بند دوم: ارزیابی اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل..... ۱۲۹
- مبحث سوم - کارشناسی**..... ۱۳۰
- بند اول: اداره کارشناسی..... ۱۳۰
- الف) ضرورت ارجاع امر به کارشناسی..... ۱۳۰
- ب) شرایط کارشناس یا کارشناسان منتخب..... ۱۳۲
- ح) شیوه انتخاب کارشناس..... ۱۳۴
- ج) اظهار نظر کارشناس..... ۱۳۵
- د) نیابت اجرای کارشناسی..... ۱۳۶
- ر)-اعتراض به نظر کارشناسی..... ۱۳۷
- بند دوم - ارزیابی کارشناسی..... ۱۳۸
- بخش پنجم - سوگند**..... ۱۳۹
- مبحث اول - اداره سوگند**..... ۱۳۹
- بند اول: مجرای سوگند..... ۱۳۹
- بند دوم: تقاضای سوگند..... ۱۳۹
- بند سوم: توجه سوگند..... ۱۴۰
- بند چهارم: قرار اتیان سوگند..... ۱۴۰
- بند پنجم: رد و نکول سوگند..... ۱۴۱
- بند ششم: نحوه ادای سوگند..... ۱۴۲
- بند هفتم: موعظه دادرس به رد یمین..... ۱۴۳

۱۴۳	..... بند هشتم: سوگند استظهاری
۱۴۵	..... بند نهم: پذیرش دلیل بعد از ادای سوگند
۱۴۷	..... <b>مبحث دوم- ارزیابی سوگند</b>
۱۴۷	..... نسبیت سوگند
۱۴۸	..... <b>فصل سوم: تعارض ادله</b>
۱۴۸	..... <b>بخش اول: ماهیت تعارض</b>
۱۴۸	..... بند اول : مفهوم تعارض
۱۴۹	..... بند دوم: محل تعارض
۱۵۰	..... تنقیح مطلب
۱۵۰	..... بند سوم: قاعده الشیئان اذا تعارضا تساقطا
۱۵۱	..... بند چهارم: قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح
۱۵۲	..... بند پنجم: مراد از جمع در جمع دلالی
۱۵۴	..... بند ششم: مقایسه تعارض و تزاحم
۱۵۵	..... <b>بخش دوم : انواع تعارض</b>
۱۵۵	..... بند اول: بررسی نمونه های مهم از تعارض ادله در کلام فقها
۱۵۵	..... الف ) تعارض بینات :
۱۵۵	..... نخست : تعارض بینه داخل و بینه خارج
۱۵۶	..... طرح بحث
۱۵۹	..... دوم : تعارض بینات خارج
۱۵۹	..... سوم: تعارض بین شاهدین و شاهد و امرأتین
۱۵۹	..... چهارم : تعارض بین شاهدین و شاهد و یمین
۱۶۰	..... پنجم : تعارض دو شاهد مورخ
۱۶۰	..... ۱- فرض وقوع مدعی در ید ثالث
۱۶۱	..... ۲- فرض وقوع مدعی به در ید احد هما
۱۶۲	..... ششم : تعارض بینه به ضرب سبب ملک و بینه به ضرب تصرف :
۱۶۲	..... هفتم : تعارض شهود در جرح و تعدیل
۱۶۳	..... اقوال حول مساله:
۱۶۳	..... نتیجه گیری
۱۶۴	..... بند دوم: تعارض امارات
۱۶۵	..... بند سوم: تعارض اصل و اماره
۱۶۶	..... بند چهارم: تعارض ادله در زمان
۱۶۶	..... طرح مساله :

۱۶۶.....	۱- ادعای حق مکتسب درباره اثبات وقایع.....
۱۶۶.....	۲- ملاک قانون حاضر.....
۱۶۶.....	۳- نظریه تفصیل:.....
۱۶۷.....	۴- تفصیل بین دلایل فراهم شده و دلایل ارائه شده در خلال دادرسی.....
۱۶۸.....	بند پنجم: تعارض ادله با علم قاضی.....
۱۶۸.....	بند ششم: مراتب ادله.....
۱۷۰.....	<b>نتیجه گیری</b> .....
۱۷۱.....	<b>فهرست منابع</b> .....

## مقدمه :

بی تردید نتیجه هر دادرسی بسته به دلایلی است که در جریان دادرسی مورد استفاده و رسیدگی قرار می گیرند. صحت و سقم و ارزش دلیل ارائه شده در اثبات دعوا نیز، بسته به جریان اداره و ارزیابی دلیل است. متأسفانه بحث اداره و ارزیابی دلیل در فقه و حقوق موضوعه، بصورت مستقل، مطرح و مورد مطالعه واقع نشده است. همین نقصیه بود که ما را بر آن داشت که موضوع حاضر را به عنوان موضوع پایان نامه انتخاب نماییم.

سکوت و اجمال نصوص قانونی در بحث اداره ادله احصائی و نبود ضوابطی مدون در خصوص امر، تحقیقی را می طلبید تا با ارائه ضوابطی مشخص، موجب شود تا اصحاب دعوی و دادرسان در ارائه و اداره دلیل از آنها مدد گیرند. اداره دلیل می تواند قلمرو اثباتی دلیل را موسع یا مضیق نماید و یا کاملاً از دلایلیت سلب نماید.

قانونگذار نیز تا حدی، ولو به نحو اجمالی، به تنصیص مواد مربوط به اداره دلیل پرداخته ولی به فرآیند ارزیابی دلیل کم توجهی نموده است. در فرآیند اداره و ارزیابی دلیل سئوالات بنیادینی که ذیلاً مطرح می گردند و پاسخ به این سئوالات می تواند نتیجه اداره و ارزیابی دلیل و بالتبع نتیجه دادرسی را متحول نماید:

### ۱- طرح مسأله

ارائه دلیل به دادگاه، دارای تشریفات خاصی است که البته این امر مرتبط با مباحث شکلی می باشد و کمتر نیازمند بحث ماهوی است. برای مثال به امور ذیل می توان اشاره نمود:

۱- قانونگذار معمولاً زمان خاصی را برای ارائه دلیل مشخص نموده است و برای این مواعد ضمانت اجراهایی نیز لحاظ نموده است. حال این سئوال مطرح است که نقش این مواعد در دعوا چیست؟ مرجع تشخیص ارزش دلیل کیست؟

۲- ارائه دلیل حق است یا تکلیف؟

۳- ارائه دلیل بر عهده کیست؟

## ۲- پیشینه تحقیق

موضوع پایان نامه حاضر، اداره و ارزیابی دلیل است. در این خصوص در فقه رساله مستقلى دیده نمی شود، و فقها در کتب قضا و شهادت، به بررسی دعوا و شرائط آن پرداخته و به نحو استطرادی نحوه ارائه دلیل را بررسی کرده اند.

از لحاظ حقوقی نیز مدونه ای که اختصاصاً برای موضوع بحث ما نوشته شده باشد دیده نشده است و آنچه وجود دارد کتبی است که اساتید حقوق حول ادله اثبات دعوا به رشته تحریر درآورده اند. همین امر نشان گر درجه اهمیت بحث حاضر بوده و تحقیقات دامنه داری را می طلبد. همانطور که اشاره کردیم، در خلال مباحث قضا، در بخش هایی به اراده و ارزیابی دلیل پرداخته شده است. برای مثال قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» به بررسی این مسأله می پردازد که وظیفه مدعی و منکر چیست؟ یا قاعده «لا انکار بعد الاقرار» به جنبه مطلق بودن اقرار نسبت به مقرّ می پردازد.

## ۳- روش تحقیق

روش تحقیق گاه کتاب خانه ای و گاه میدانی است، هر چند بحث میدانی از اهمیت بسزایی برخوردار است و امور تقدیری و فرضی را با واقعیات پیوند می زند ولی کمتر در روش تحقیق حقوقی و ادبیات حقوقی ما مطرح شده است، ولی رشته حقوق از جمله رشته هایی است که می توان انتظار تحقیق میدانی از محقق داشت. خاصه اینکه مجموعه های رویه قضایی، تا حدودی مباحث علمی و ضابطه راهبردی را ارائه می دهند و علاوه بر آن نظریه های مشورتی اداره حقوقی دادگستری نیز می تواند راهگشا باشد. در این اثر سعی بر آن است که محوریت با فقه باشد که کمتر در مسأله دادرسی بدان پرداخته شده است.

## ۴- سوالهای اصلی تحقیق

در این اثر به بررسی چهار سؤال اصلی می پردازیم، که به شرح آتی فهرست می گردند:

۱- آیا در نظام دادرسی ایران، استناد به دلیل حصری و تقنینی است؟ یا آنکه ادله شمرده شده توسط قانون گذار را خصوصیتی نیست و قاضی در صورت لزوم می تواند از ادله دیگری بسته به مورد بهره بگیرد؟

۲- نقش دادگاه در اداره و ارزیابی دلیل چیست؟ و آیا طرفین دعوی در این بین نقشی دارند یا خیر؟

۳- آیا حجیت ادله قانونی مطلق است یا خیر؟ آیا ضابطه ای می توان ارائه کرد؟ مسلماً بدون ضابطه نمی توان کار کرد، زیرا در بسیاری از موارد بحث دوران امر بین مطلق یا نسبی بودن ادله دیده می شود.

۴- جایگاه اصول عملیه در این میان چیست؟ که گفته اند «الاصل دلیل حیث لا دلیل».

## ۵- فرضیه ها:

فرضیه های این تحقیق عبارتند از:

۱- ادله حصری نیستند.



۲- اداره و ارزیابی منحصرأ بر عهده دادرس است و طرفین می توانند فقط نقشی ارشادی داشته باشند.

۳- رعایت شرایط شکلی ادله مثل مواعد و ... لازم است و اصولاً قوانین مربوطه امری هستند

۴- اصل در ادله مطلق بودن است، که این نظر برخی از حقوقدانان است. سعی بر آن است که در خلال مباحث آینده صحت و سقم این نظر را بر اساس قوانین بررسی نمائیم.

#### **۶- تقسیم مطالب**

در فصل اول این تحقیق به بررسی و ارائه تعاریف و دادن ضابطه دعوا و تشخیص مدعی از منکر و...، اداره دلیل، ارزیابی دلیل و قواعد عمومی اداره و ارزیابی دلیل می پردازیم.

و در فصل دوم به بررسی هر یک از ادله شمرده شده در قانون پرداخته و طریق اداره و ارزیابی آنها را مورد توجه قرار خواهیم داد. و بالاخره در فصل سوم به بحث تعارض ادله پرداخته خواهد شد. و به این مسأله می پردازیم که آیا تعادل و تراجیحی در میان ادله وجود دارد یا خیر؟ به علت نبودن نص خاصی در خصوص تعارض ادله و راه حل آن در متون قانونی و حقوقی قواعد و ضوابطی در این خصوص در کتب، در این فصل به بررسی فقهی این مسأله پرداخته و حتی الامکان به کشف ضوابطی در این خصوص خواهیم پرداخت. همین قصد، مطالعه مختصر و اجمالی را در این فصل خواهد طلبید تا فقط ضوابطی برای ارزیابی ادله، در زمان تعارض ادله، بدست آید.

## چکیده:

برای نقش آفرینی دلیل، دادرس، باید به اداره و ارزیابی آن بپردازد. مقصود از اداره دلیل، رسیدگی و نظارت بر دلیل از جهت رعایت مقررات قانونی در خصوص مواعد، نحوه ارائه دلیل، تعرض به دلیل از سوی اصحاب دعوا، هم چنین است اعمال دلیل از سوی دادرس برای فصل دعوا. و ارزیابی دلیل که جنبه شکلی و ماهوی دارد، تشخیص ارزش دلیل می باشد که در واقع تحلیل روانی دلیل است.

در فرایند اداره و ارزیابی دلیل، به علت نبودن ضوابطی دقیق و مشخص، سئوالهایی مطرح است که پاسخ به آنها راهنمای دادرس در حل مجهول و اجرای عدالت خواهد بود.

آیا ادله احصایی در قانون حصری و تقنینی است یا ادله احصایی، طریقت دارند؟ ادله احصایی، نسبی اند یا مطلق؟ آیا می توان خلاف ادله را اثبات نمود؟ با استقرایی تام از ادله، بر می آید که اصل، نسبی بودن ادله است و امکان اثبات خلاف آنها ممکن است.

در صورت وجود تعارض بین اصحاب دعوا، آیا برای ارزیابی بینه، تعادل و تراجیحی وجود دارد؟ با مراجعه به متون فقهی به علت سکوت قانون و دکترین حقوقی چنین بر می آید که قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» ارائه دلیل را فقط تکلیف مدعی می داند نه منکر و در تعارض بینه داخل و خارج، بینه داخل (مدعی) مرجح است.

**واژگان کلیدی:** دادرسی حقوقی، اداره دلیل، ارزیابی دلیل، طریقت یا موضوعیت داشتن دلیل

## فصل اول

### کلیات و قواعد عمومی اداره و ارزیابی دلیل

#### بخش اول - حدود دلیل

##### مبحث نخست - مفهوم دلیل

##### بند اول - واژه شناسی دلیل

##### الف) تعریف لغوی

«دلیل در لغت به معنای نشانه و راهنما است که برای اثبات امری بدان استناد می شود. پس دلیل آن چیزی است که قابلیت استناد داشته باشد و ادعای شخص را مستند ساخته و بالاخره به کرسی می نشاند.»<sup>۱</sup> به نظر می رسد بررسی آرای لغویون خیلی مفید نیست زیرا عموماً تعریف لغوی به شرح اسم پرداخته و در سر سودای ارائه تعریف جامع و مانع ندارد. لذا آوردن نمونه های دیگر لازم نیست، و بنابر قولی، «قول لغوی در اموری که جنبه تخصصی یافته اند، حجت نیست.»<sup>۲</sup>

##### ب) معنی عرفی

به نظر می رسد آنچه در لغت نامه ها آمده است، همان معنی عرفی است و چیزی فراتر از عرف در لغت نامه ارائه نشده است.

<sup>۱</sup>- علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، ج ۲، چاپ اول، از دوره ی جدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۹۱

<sup>۲</sup>- رک: محمد جعفر، جعفری لنگرودی، منطق ادبی، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۳، ص ۵ تا ۱۷

## ج) تعریف از لحاظ فقهی

در شرع مقدس تعریفی از دلیل دیده نمی شود و اصولاً مذاق شارع بیان احکام است نه ارائه تعریف از موضوعات، این روش فوایدی را نیز در پی دارد زیرا در صورت ارائه تعریف، با گذر زمان و به وجود آمدن نیازهای روز و توسعه راههای کسب علم و ظن، دست افراد متشرع بسته شده و نمی تواند خود را با نیازهای روز وفق دهند. به همین جهت شارع، ترجیح می دهد که، موضوعات را به حال خود رها سازد و به اصطلاح؛ با ارسال ماهیت، امر را به عرف واگذار نماید.

صرف نظر از آنچه بیان شد، در عرف فقها، باید دید دلیل چیست؟ در این خصوص توجه به مأثوره «الأصل دلیل حیث لا دلیل» مطمع نظر است و باید دید مراد اصحاب فقه، از این سخن چیست؟

به نظر می رسد مراد آنها از دلیل در این عبارت، منابع اصلی فقه است که عبارتند از:

الف) قرآن ب) سنت ج) اجماع د) عقل

بنابراین بر اساس این مأثوره وقتی می توان به اصول عملیه که دلیل اجتهادی هستند، رجوع نمود که در منابع اربعه که دلیل و حجت هستند، پاسخ مسأله یافته نشده باشد یا به اصطلاح، دلیل فقهاتی در بین نباشد. به همین جهت است که شیخ انصاری (ره) در رسائل مجرای اصول را شک می داند و می فرماید که «در اصول عملیه، ایها الشاک، اخذ شده است. از این سخن می توان چنین استفاده نمود که محل اجرای اصل عملی شک است و لذا لازم نیست موضوع، ما لانس فیه بوده یا اصلاً از منابع اصلی، دلیلی قابل استخراج نباشد. بلکه ممکن است، حکم یک مسأله در منابع اصلی وجود داشته باشد ولی به جهت ابهام و اجمال و کشدار بودن عبارات تردید از تکلیف یا مکلف به، بهم برسد.»<sup>۱</sup>

با همه این تفصیلات، نمی توان تصور کرد، که این مأثوره، که یک قاعده فقهی نیز تلقی می شود، در مانحن فیه کاربردی ندارد. بلکه در مباحث فقهی، قاضی علی القاعده در مرحله شک می تواند به

<sup>۱</sup> - شیخ انصاری (ره)، رسائل، ج ۲، موسسه التراث الشیخ، الاعظم، قم ۱۴۲۴ هـ، ص ۹ و ۱۰